

بررسی معناشناسی فعل "دیدن" در دیوان شهریار

الهه شاه حسینی، خدابخش اسداللهی

دانشگاه محقق اردبیلی، elahe.sh40@yahoo.comدانشگاه محقق اردبیلی، kh.asadollahi@gmail.com

چکیده

در این مقاله اول به تعریف فعل از نظر دستورنویسان می پردازیم بعد به بیان مبحث معناشناسی و تفاوت آن با زبان شناسی اشاره می کنیم و همچنین شرایط تاریخی و اجتماعی زمان شاعر (شهریار) را به طور مختصر شرح می دهیم. بعد از تعریف کلی در این مقاله واژه «دیدن» از دیدگاه تحلیل معنایی متن مورد بررسی قرار گرفته است و نشان داده شده است که تفاوت های اندیشه و اوضاع و احوال اجتماعی چگونه دامنه ی کاربرد این واژه را در اثر این شاعر دگرگون و وسیع می سازد. نکته ی مهم آن است که در شعر شهریار موارد معنایی دیگری جز آنچه در فرهنگ دهخدا بیان شده است، مشاهده می شود و این نشان می دهد دامنه ی معنایی در شعر شهریار به ضرورت موقعیت فکری و اجتماعی، باعث ایجاد معانی تازه در این واژه شده است.

واژه های کلیدی

شهریار، شرایط اجتماعی و فرهنگی، معناشناسی، دیدن.

مقدمه

فعل: دستورنویسان و فرهنگ نویسندگان برای فعل، تعریف های گوناگونی دارند از آن جمله:

در دستور خیامپور می خوانیم: «فعل کلمه ای است که همیشه مسند باشد و به عبارت دیگر دلالت کند بر وقوع یا لاوقوع کاری در زمان معینی از سه زمان گذشته و حال و آینده» [۴].

دکتر خانلری در کتاب خود نوشته است: «فعل آن کلمه ای است که دلالت می کند بر کردن کاری یا روی دادن امری یا داشتن حالتی در زمان گذشته یا اکنون یا آینده» [۹].

دکتر فرشیدورد نیز می گوید: «فعل کلمه ایست که به تنهایی یا به یاری وابسته هایی در یکی از زمان های سه گانه بر واقع شدن امری دلالت می کند و امریست که به امر دیگر اسناد داده می شود» [۸].

فعل مهمترین قسمت یک جمله است و نسبت به اسم و اجزای دیگر جمله در معنابخشی به جمله و مفهوم جدید اهمیت

بسیاری دارد، یک جمله بدون فعل معنی آن ناتمام و بدون فهم و درک است.

معناشناسی: معناشناسی یکی از اجزاء یا سطوح زبان شناسی نظیر آواشناسی یا دستور است. از این گذشته تقریباً تمامی زبان شناسان به طور صریح یا ضمنی، الگویی از زبان شناسی را پذیرفته اند که در یک سر آن معنی شناسی و در سر دیگر، آواشناسی قرار دارد و دستور در حد فاصل آن ها واقع می شود (البته این بدان معنی نیست که تنها همین سه سطح وجود دارد) [۳].

ارتباط میان واژه و معنا را معناشناسی می گویند. این علم معمولاً بر روی رابطه بین دلالت کنندگان مانند لغات، عبارات، علائم، و نشانه ها و این که معنایشان برای چه استفاده می شود، تمرکز دارد. مفاهیم زبان شناسی و زبان شناسی معنایی بررسی معنایی است که توسط انسان ها برای نشان دادن خودشان در طول زبان استفاده می شود.

معناشناسی یک جریان علمی است که مانند همه ی جریان های علمی، پویایی خود را دارد و می خواهد بن بست های زبانی یا مطالعات زبانی را که در زمینه معنا مطرح اند، از بین ببرد و گسترده تر نگاه کند.

زبان شناسی با معناشناسی فرق دارد ما در معناشناسی دنبال مطالعه ی ساختار دستور زبانی و شناسایی گرامری واژگان نیستیم. ما در معناشناسی به دنبال مطالعه و بررسی شرایط تولید معنا و دریافت آن نزد خواننده هستیم. برای ما واژگان مهم هستند؛ اما آن چه مهم تر است روابط واژگان است که مسیری را طی کنند تا به معنایی برسند [۱].

اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی و فرهنگی: در دوران معاصر در کنار قالب های تازه شعری، قالب های سنتی نیز مورد توجه بسیاری از شاعران بوده است. ابتدای این جریان، عصر مشروطیت و زمانی است که شاعران، درک درست تری از زمانه ی خود و مقتضیات آن یافتند. شعرای مشروطه، نخستین کسانی بودند که تلاش نمودند محتوای تازه ای را با قالب های رایج پیوند دهند و در محدوده ی آن ها به تجربیات متفاوتی دست زنند و شهریار از جمله شاعران این دوره است که در تحول در محتوای قالب های سنتی مانند غزل می توان نام برد. شاعران این دوره با